

ترجمه ها وتحقیقات رباعیات عمر خیام بزبان فارسی وزبانهای دیگر

دکتر : بایش جبار زیارة

پیشگفتار

یکی از ملت های که به دلیل پیوندهای عمیق فرهنگی و ادبی به رباعیات خیام توجه ویژه ای نشان داد، عرب زبانان بودند: آنها کوشیدند در آغاز به کمک ترجمه ی رباعیات انگلیسی فیتز جرالد با خیام واند یسه ی او آشنا شوند اما پس از مدتی برخی از ادبیات ومنتقدان به این باور رسیدند که برای آشنایی با زبان فارسی ترجمه هایی از زبان اصلی رباعیات بهره جست. از همین رو برخی از ادبیات پس از با زبان فارسی ترجمه هایی از زبان اصلی رباعیات به زبان عربی به مخاطبان ارائه دادند. به دلیل اهمیت این گونه ترجمه ها و تاثیر آن ها بر ادبیات و جامعه ی عربی ضروری بود که چگونگی این ترجمه ها و تعداد آن ها بررسی شود و در پژوهی فراگیر به نقد و تحلیل ترجمه های رباعیات خیام به زبان عربی پرداخته شود و با این کار کامی مؤثر در پیش برد ادبیات تطبیقی میان ادبیات فارسی و عربی برداشته شود. پس از ترجمه های رباعیات خیام ، بزبانهای غربی ، مخصوصا ترجمه فیتزجرالد انگلیسی، آن ترجمه ها به دست ادبای عربی و ترکی و اهل هند که بر زبانهای غربی اطلاع داشتند ، رسیده بود. و بین آنها متداول شد. مخصوصا رباعیاتی که به لذت بردن. اهمیت عمر ، و می خوردن تشویق میکند.

ترجمه ها و تحقیقات رباعیات عمر خیام بزبان فارسی وزبانهای دیگر

شمار رباعیاتی که به تحقیق از حکیم عمر خیام باشد اندک است. محمد علی فروعی و دکتر قاسم غنی ٦٦ رباعی را که در کتابهای تا سده هشتم هجری دیده به احتمال بسیار قوی از خیام می دانند^(١) صادق هدایت ١٤٣ رباعی را از انبوه رباعیات منسوب به خیام برگزیده است^(٢) علی داشتی ٧٦ رباعی رابه احتمال قوی از خیام می داند.^(٣)

«آنچه که اجمالا اشاره شد نشان میدهد که نفوذ فکر، آهنگ دلفریب، نظر مو شکاف، وسعت قریحه، زیبائی بیان، صحت منطق، سرشاری تشبیهات ساده بی حشو و زوائد و مخصوصا فلسفه و طرز فکر خیام که به آهنگهای گوناگون گویاست و با روح هر کس حرف میزند در میان فلاسفه و شعرای خیلی کمیاب مقام ارجمند و جدا گانه ای برای او احراز میکند. رباعی کوچکترین وزن شاعری است که انعکاس فکر شاعر را با معنی تمام برساند.»^٤

خیام در شعر پیروی از هیچکس نمیکند. زبان ساده او بهمه اسرار صنعت خود ش کاملا آگاه است و با کمال ایجاز، به بهترین طرزی شرح میدهد^(٥)

درباره رباعیات خیام تحقیقات فراوانی بزبان فارسی وزبانهای دیگر صورت گرفته است. استقبال بی نظیری که از خیام وافکار او در جهان شده باعث گردیده است که این رباعیات بسیاری از زبانها ترجمه شود و بسی از این ترجمه ها با تحقیقاتی درباره احوال و آثار وافکار خیام همراه باشد.^(٦)

خیام اشعاری بیارسی و نازی و کتابهای بدین دو زبان دارد. از آثار علمی او پیش از این در فصل علوم عقلی سخن گفته ایم و هنگام تحقیق در نثر فارسی این دوره، نامی از کتب منثور فارسی او هم بیان خواهد آمد.^(٧)

خیام را رباعیات بسیار مشهوری نیز هست که بغالب زبانهای زنده دنیا ترجمه و درباره آنها تحقیق و تتبع شده است. و خیام آنها را غالبا بدنبال تفکرات فلسفی خود سروده و قصد او از ساختن آنها شاعری و بسلك شعرا در آمدن نبوده است و بهمین سبب وی نداشته و بنام حکیم و فلیسوف ساخته میشود است. چنانکه بر طبق تحقیقات آقای دشتی، غالب رباعیاتی که فعلا با ونسبت میدهند از وی

نیست و اغلب آنها رباعیاتی است که پس از خیام بسبک او سروده اند و بنام وی شهرت یافته است. (۸)

شاعر و نویسنده معروف انگلیسی (فیتز جرالد) که سال ۱۸۰۹ م متولد ، در سال ۱۹۸۳ م فوت کرد. در سال ۱۸۵۶ بیش از هفتاد رباعی ترجمه کرد. ولی از لحاظ الفاظ و اصل فارسی رباعیات دور شد. این ترجمه در سراسر اروپا و امریکا منتشر شد. و نام فیتز جرالد از طریق آن شهرت یافت. که بخيام غربی نامیده شد. و از ادبای اروپا که فلسفه خیام بحث کردند. (۹)

از ادبای عربی که اول آنها ست، جهل رباعی را از زبان انگلیسی ترجمه کرده شاعر لبنانی معروف ، ودیع البستانی بود ، این ترجمه ، قدیمترین ترجمه های رباعیات بعربیت. که سال ۱۹۱۲ آن چاپ شد. (۱۰)

اولین ادبای عراق که رباعیات را ترجمه کردند. او استاد و شاعر (السيد محمد الهاشمی) که ترجمهء اوست به اصل رباعیات و روانی آن نزدیک شد. و بعد از الهاشمی ، احمد صافی نجفی شاعر بزرگ عراق است. که به بهترین ترجمه های رباعیات بعربی از اصل فارسنامه است. ادیب عراقی احمد حامد الصراف در خصوص ترجمهء احمد صافی نجفی گفت ترجمه احمد صافی ، بهترین ترجمه های رباعیات است. چونکه نجفی به علوم زبان عربی خیلی اطلاع است. و شاید عمر خیام رباعیاتش را بعربی نتواند اگر خواسته مانند نجفی آنها را ترجمه میکند. (۱۱)

خیام در تاریخ ادبیات فارسی به عنوان شاعری که به مرتبه شاعران بزرگی چون فردوس، حافظ سعدی و جلال الدین رومی و دیگران برسد مورد توجه نبود. ولی در عصر معاصر وضعیت تغییر کرد، هنگامی که فیتزجرالد : شاعر انگلیسی در دهه پنجم قرن ۱۹ ، رباعیات خیام را ترجمه و منتشر کرد، تعجب خاور شناسان را برانگیخت . عمر خیام که به عنوان شاعر و ادیب باز جانب خاور شناسان وحتى هموطنانش مورد بی مهوری واقع شده بود ناگهان به خاطر ترجمه رباعیاتش، به اوج منزلت و شهرت در ادبیات جهانی می رسد. شاید اولین کسی که نگاهی عمیق، دقیق و تطبیقی به این ترجمه ها انداخت،

پرفسور زوكوفسكى: خاورشناسى روسى بود كه مقاله اى در سال ١٨٩٨ م. به عنوان (رباعيات سرگردان خيام) درياد نامه پرفسور بارون وروزن منتشر كرد (١٢).

دكتور يوسف حسين بكار در كتاب ارزشمندش (الترجمات العربية لرباعيات الخيام) تا سال ١٩٨٧ م تعداد ٥٦ ترجمة از رباعيات خيام را ذكر کرده كه چنين تقسيم شده است.

تعداد ترجمه هاى منظوم ٣٣ ترجمه - ترجمه هاى منثور ١٦ ترجمه اين آمار نشان مى دهد كه ترجمه رباعيات تا چه مقدار مى تواند در ادبيات معاصر عربى مؤثر باشد، اين تاثير تا بدانجاست كه دكتور محمد جمال الدين مى گويد (اين ترجمه ها منجر به وجود آمدن پديده ادبى بى نظرى با ابعاد مختلف شد كه مى توان ان را به پديده خيامى ادبيات معاصر عربى ناميد^(١٣)).

شهرت خيام در ايران

درياره شهرت عمر خيام به عنوان شاعر در ايران، بعضى از نويسندگان صد سال گذشته برآنند كه ما خيام را چنانكه بايد مى شناختيم وترجمانى فترزجالد چيز قابلى بر آن نيفزوده است.

در پژوهشهاى ادبى سه تن از معاريف ادب ايران محمد قزوينى، محمد على فروغى، قاسم غنى، (همچنين صادق هدايت) شماره رباعيات اصيل خيام كه از منابع موثق كرد آورى کرده اند نزديك به سصت است.

(توجه اين پژوهندگان به عمر خيام پس از روزگارى است كه فترزجالد مجذوب شاعر حكيم ايرانى شده وزوكوفسكى خاورشناس روس وفريد ريش روزن آلمانى وآرتو كريستينس دنماركى در اين راه گام برداشته بودند)

قدیمی ترین نسخه چاپی رباعیات خیام بزبان فارسی ، نسخه ایست که کسی بنام بشار تعلی در ٦٤ صفحه در کلکته بسال ١٨٣٦ میلادی مطابق با ١٢٥٢ هجری قمری بچاب رسانیده است. (١٤) نخستین نسخه چاپی رباعیات خیام در ایران از سال ١٢٧٢ قمری یعنی چند سال پیش سال پیش از چاپ ترجمه انگلیسی فیتزجرالد است. بدیهی است که نسخه های چاپی فارسی رباعیات در آن زمانها بدست مردم نمی رسید وحتی خواص هم بندرت از آن اطلاع می یافتند. نسخه های فارسی چاپ ایران که بدست مردم رسیده باشد متعلق بزمانهای نزدیکتر به ما یعنی صد سال اخیر است که شهرت ترجمهء فیتزجرالد ودیگران به اهل ادب ایران رسیده بود. (١٥)

رباعیات منسوب به عمر خیام

رباعیاتی را که برآستی از خیام است تشخیص دهند و در این زمینه از اروپائیان کسانیکه بیشتر کار کرده اند. واز آنها والانتن زوکوفسکی خاورشناس روسی وفریدریخ دانشمند آلمانی و از کریستن سن محقق دانمارکی است. وطرق اختیاری ایشان یکی اینست که رباعیاتی که از دیگران است. ودر دواوین ومجموعه های بیابند وار مجموعه خیام بیرون کنند. دیگر اینکه رباعیاتی را که نام خیام در آنها هست مورد تحقیق قرار دهند. دیگر اینکه نسخه های کهنه. از مجموعه رباعیات خیام راد در نظر گرفته آنچه را در نسخه های معتبر بیشتر مکرر شده اختیار کنند. (١٦)

خیام رباعیات را تنها نظم نکرده بود. نیز شعری را بزبان عربی نوشت. وبیشتر از مؤلفات خویش هم بعربی نوشته بود. (١٧)

ارتور کریستن سن؛ محقق دانمارکی از دیگر خاور شناسانی است که بادید نقادانه به رباعیات خیام نگریسته ومی گوید: خیام کاری را آغاز کرده ورشته ای را به دست داده ودیگران آن را بسط وتوسعه داده اند، از سیر در رباعیات سرگردان یعنی رباعیاتی که نه خیام نسبت داده اند ولی در دیوان سایرین

دیده شده است. می توان این نتیجه را گرفت که رباعیات صوفیانه ورباعیاتی که جنبه تغزل عاشقانه دارد اضافه شده است (۱۸)

آثار خیام نیشابوری

خیام یکی از بزرگترین دانشمندان وشاعران ایران است که در سده پنجم هجری در دوران پادشاهان سلجوقی میزیسته است. (۱۹) درباره خیام نیشابوری واحوال وآثار او پیش از این چند بار هرجا بمناسبتی سخن گفته ایم (۲۰)

از جمله آثار او اینها است : نوروزنامه – این کتاب بنثر بسیار ساده وشوایی نوشته شده است ، در بیان اسباب پیدایش جشن نوروزو کشف حقیقت آن ، واینکه کدامیک از شاهان واضع آن بود ، وآیین آن جشن وآداب پادشاهان ساسانی در ین باب ، وامثال مطالب.

کلیات: یا رسالهء وجودیه یا رساله در کلیات وجود ، که ظاهرا « روضة القلوب» هم نام دارد. خیام آنرا برای فخر الملك وزیر نوشته و در آغاز آن گفته است.

« چنین گوید ابو الفتح عمر بن ابراهیم الخیام که چون مرا سعادت خدمت صاحب عادل فخر الملك میسر گشت وقربت واختصاص داد بعالی مجلس خویش، واین بزرگوار بهر وقت از من یاد گاری خواستی در علم کلیات ، پس این جزو بر مثال رسالتی از بهر در خواست او املاء کرده شد ، تا اهل علم وحکمت انصاف بدهند که این مختصر مفید تر از مجلد است ، ایزد تعالی مقصود حاصل گرداند» (۲۱)

ترجمهء خطبة الغراء : اصل این خطبه از ابن سیناست، در توحید باری تعالی ، که از آن نسخ متعددی در کتابخانههای ایران ودیگر کشورها موجود است (۲۲)

ترجمه هایی از رباعیات خیام در ادبیات معاصر عربی

انچه در بی می اید بررس وتحلیل ترجمه هایی از (رباعیات خیام) وبرتو آن در ادبیات عربی است . در این مقاله به اختصار سعی شده تا تاثیر جهان شمول این شاعر ممتاز

وگرائقدر پارسی گوی در نیای ادب بویژه ادبیات معاصر عربی تبیین وتحلیل شود. چون شعرا و ادبای عرب زبان در ابتدا به وسیله ترجمه انگلیسی این رباعیات با آن آشنا شدن. به ناچار نویسنده محترم در این نوشتار، قبل از بررسی موضوع مورد بحث با نگاهی گذرا به اولین مترجمان این شامکار ادبی و بازتاب آن در محافل ادبی مغرب زمین واکنش باختریان و نقادان نسبت بدان، ترجمه های منظوم و منثور رباعیات خیام را در حد ممکن باهم تطبیق داده و برای آشنایی خوانندگان گرامی نمونه هایی از این ترجمه های رانیز ارائه کرده است (۲۳)

خیام در تاریخ ادبیات فارسی به عنوان شاعری که به مرتبه شاعران بزرگی چون فردوس، حافظ سعدی و جلال الدین رومی و دیگران برسد مورد توجه نبود. ولی در عصر معاصر وضعیت تغییر کرد، هنگامی که فیتزجرالد: شاعر انگلیسی در دهه پنجم قرن ۱۹، رباعیات خیام را ترجمه و منتشر کرد، تعجب خاور شناسان را برانگیخت. عمر خیام که به عنوان شاعر و ادیب باز جانب خاور شناسان و حتی هموطنانش مورد بی مهری واقع شده بود ناگهان به خاطر ترجمه رباعیاتش، به اوج منزلت و شهرت در ادبیات جهانی می رسد. شاید اولین کسی که نگاهی عمیق، دقیق و تطبیقی به این ترجمه ها انداخت، پرفسور زوکفسکی: خاورشناسی روسی بود که مقاله ای در سال ۱۸۹۸ م. به عنوان (رباعیات سرگردان خیام) در یاد نامه پرفسور بارون وروزن منتشر کرد.

ارتور کریستن سن؛ محقق دنمارکی از دیگر خاور شناسانی است که بادی نقدانه به رباعیات خیام نگریسته و می گوید: خیام کاری را آغاز کرده ورشته ای را به دست داده و دیگران آن را بسط و توسعه داده اند، از سیر در رباعیات سرگردان یعنی رباعیاتی که نه خیام نسبت داده اند ولی در دیوان سایرین دیده شده است. می توان این نتیجه را گرفت که رباعیات صوفیانه و رباعیاتی که جنبه تغزل عاشقانه دارد اضافه شده است (۲۴).

نمونه ای از رباعیات عمر خیام است:-

دل سر حیات اگر کماهی دانست

در مرگ هم اسرار آلهی دانست

ایمروز که باخودی ندانستی هیچ

فردا که زخود روی چه خواهی دانست (۲۵)

بر کوزه گری بریر کردم گذری

از خاک همی نموده هر دم هنری

من دیدم - اگر ندید هر بی بصری

خاک پدرم در کف هر کوزه گری (۲۶)

از آب و کلم سرشته من چه کم

وين بشم مرا تو رشته من چه كنم

هر نيك ویدی كه ازمن آید بوجود

توبر سر من نوشته من چه كنم(٢٧)

یا رب خردم درخور اسباب تونیست

واندیشهء من بجز مناجات تونیست

من ذات ترا بواجبی کی دانم

دانندهء ذات تو بجز ذات تونیست(٢٨)

قومی متفکر ند در مذهب و دین

جمعی متحیرند در شك و یقین

ناگاه منادیء درآید زکمین

کای بیخبران راه نه آنست ونه این(٢٩)

سر دفتر عالم معانی عشق است

سر بیت قصیدهء جوانی عشق است

ای آنکه خبر نداری ازعالم عشق

این نکته بدان که زندگانی عشق است (۳۰)

نتیجه گیری شکل رباعیات پراکنده مانند اصل فارسی آن به عربی

ترجمه کرده و مانند رباعیات فارسی هیچ پیوند موضوعی میان این رباعیات یافت نمی شود. ولی ترجمه ی او متناسب با ذوق عربی بود. را می سخت در بی آن بود که ترجمه ی رباعیات او همانند دیگر اشعارش در سیر شعر عربی و هماهنگ با ساختار و خیال پردازی شعر عربی و سرشار از احساس باشد. شك نیست که از میان شعرای ایران یکی نیست که شهرت او به اندازه شاعری عمر خیام جهانگیر باشد. یعنی سخنان او را به غالب زبانهای زنده ترجمه رباعیات خیام کرده باشند، به هر کشوری نام او رسیده باشد و در بعضی از ممالک بهر شهرک و دهکده ای هم بروید ببینید کسانی که ترجمه از رباعیات خیام خوانده باشد. بدیهی است که این عالمگیر را شاعری عمر خیام ترجمه کشوری خارجی رباعیات او منتشر کرد. یعنی که این ترجمه باعث شناخته شدن خیام به عنوان یکی از گویندگان بزرگ عالم و ترجمه رباعیات او به سایر السنه کردی

ABSTRACT

The translations of Rubayat Omer Al-Khayam in the 19th century had an obvious impact on the European and international culture. Their impact went beyond the cultural life to the general social life; they also moved from the English language to other languages in an unprecedented way. Omer Al-Khayam gained a great fame making the translator of his poetry one of the first class English writers and translators.

The first translation of Rubayat Al-Khayam was carried out in England in the 19th century, i.e. , in the Victorian Age by Edward Fitzgerald 1869. The translation was so wonderful that it gained a great fame and shed lights and raised interest in the Eastern literature and thought. Fitzgerald was a

gifted poet; he succeeded in reflecting the charming atmospheres of the East with its mysticism, religion with a touch of sad pessimism. This led to a great interest in the East's literature and religion, i.e., "Orientalism " .

The poem is translated into Arabic various times; the best translation may be the one carried out by Ahmed Al-Safi Al-Najafi . The fame acquired by Omer Al-Khayma in our present era is attributed to the translation of his Rubayat which touch upon different issues

هامش

١- محمد علي فروغي وقاسم غني رباعيات حكيم خيام نيشابوري، تهران شركت سهام چاپ رنگين، ١٣٢١ هـ

ص ٨٧

٢ - صادق هدايت، ترانه های خيام، تهران، جاب چهارم، ١٣٥٣هـ، ص ١١٢

٣ - علي دشتي ادمي باخيام ، چاپ، امير كبير، تهران، ١٣٤٥هـ، ص ١٨

٤ - صادق هدايت، ترانه های خيام، تهران، جاب چهارم، ١٣٥٣هـ، ص ٥٣

٥ - صادق هدايت، ترانه های خيام، تهران، چاپ چهارم، ١٣٥٣هـ، ص ٥٤

٦ - دكتور ذبيح الله صفا، تاريخ ادبيات در ايران ، جلد دوم، چاپ سوم تهران ١٣٣٩هـ ص ٥٢٨

٧- همان ماخذ ص ٥٢٨

٨ - لغت نامه دهخدا، حرف ع، ص ٣٣٨

٩ - از كتاب: كشف اللثام عن رباعيات الخيام ، ص ٩١

١٠ - كشف اللثام عن رباعيات الخيام، ص ٩٥

١١- عمر الخيام ، ص ٤٠-٤٥

- ١٢- نگاهی به عمر خیام، فضل الله رضا، تهران ٢٠٠٠م، ص ١٠٢
- ١٣ - جمال الدين، محمد سعيد، دراسات تطبيقية في الادبين العربي والفارسي دار الثابت للنشر والتوزيع، ص ١٦٦.
- ١٤ - فضل الله رضا، نگاهی به عمر خیام، تهران: کویر، ١٣٧٩ هـ، ص ١٢
- ١٥ - همان ماخذ، ص ١٢-١٣
- ١٦ - رباعیات حکیم نیشابوری: محمد علی فروغی، ١٣٢١ هـ تهران، ص ٤٤
- ١٧ - ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات ایران، جلد ٢ ص ٥٢٣
- ١٨ - نگاهی به عمر خیام، فضل الله رضا، تهران ٢٠٠٠م ص ٦١
- ١٩- رباعیات نادره ایام زمان، محمد زمان فراست، تهران ١٣٧٧ هـ، ص ١
٢٠. ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات ایران، جلد دوم، از میانه قرن پنجم تا آغاز قرن هفتم هجری، چاپ سوم تهران ١٣٣٩ هـ ص ٩١٥
- ٢١- همان ماخذ ص ٩١٦
- ٢٢- همان ماخذ، ص ٩١٦
- ٢٣- عبد الحفیظ، محمد حسن، رباعیات الخیام، ص ٢٣٩.
- ٢٤- همان ماخذ ص ٢٤١
- ٢٥- عمر الخیام، دراسة وتصنیف حکمت توماش، بغداد، ١٩٦١م ص ٢١٧
- ٢٦- احمد الواسانی، تعلم اللغة الفارسیة، بیروت ٢٠٠١ ص ٢٢٠
- ٢٧- عمر الخیام، دراسة وتصنیف حکمت توماش، بغداد، ١٩٦١م ص ٢١٨
- ٢٨- عمر الخیام، دراسة وتصنیف حکمت توماش، بغداد، ١٩٦١م ص ٢٧

٢٩- همان ماخذ، ص ٢١٦

٣٠ - همان ماخذ ، ص ٢٣١

منابع

١- احمد الواساني ، تعلم اللغة الفارسية ، بيروت ٢٠٠١

٢- - دكتور ذبيح الله صفا، تاريخ ادبيات در ايران ، جلد دوم، چاپ سوم تهران ١٣٣٩ هـ

٣- جمال الدين، محمد سعيد، دراسات تطبيقية في الادبين العربي والفارسي دار الثابت للنشر والتوزيع

٤- رباعيات نادره ايام زمان، محمد زمان فراست ، تهران ١٣٧٧ هـ

٥- صادق هدايت، ترانه های خيام، تهران، چاپ چهارم، ١٣٥٣ هـ

٦- حكمت توماش ، عمر الخيام، دراسة وتصنيف، بغداد، ١٩٦١ م

٧- فضل الله رضا، نگاهی به عمر خيام ، تهران: كوير ، ١٣٧٩ هـ

٨- محمد على فروغی ، رباعيات حكيم نيشابورى: شركت سهام جاب رنگين ، ١٣٢١ هـ تهران

٩- محمد زمان فراست رباعيات نادره ايام زمان ، تهران ١٣٧٧ هـ

١٠- لغت نامه ، دهخدا حرف عين